



مسکن، معیشت، عدالت؛

مثلث اصلی دغدغه‌های

دولت مسعود چیست؟

دنیای هوادار

روزنامه مستقل

www.donyayehavadar.ir

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

دوشنبه ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴

شماره ۱۸۱۱



«دنیای هوادار» بررسی می‌کند: بانک سینا و مسئله ورود به اقلیم اقتصاد مرزی با نگاهی توسعه‌محور؟

طنین سینای توسعه در جلفا

برای مریم ایران، دختری که جهان ریاضی را تکان داد؛ زنی در میان اعداد



پا به راهی بگذارد که مریم گشود. بیست و دوم اردیبهشت، نه فقط یک روز برای گرامی‌داشت، که یادآور یک تعهد جمعی است؛ تعهد به حذف تبعیض، به ترویج آموزش برابر، و به ساختن دنیایی که در آن، دختران حق داشته باشند رؤیای دانشمند شدن را بدون پیشوند «زنانه» ببینند.

این روز، فقط به افتخار مریم نیست؛ متعلق به تمام زنانی است که در سکوت، در آزمایشگاه‌های بی‌نام‌ونشان، در کلاس‌های شلوغ، در ساعات اضافه‌کاری، بی‌آن که تربیونی داشته باشند، در حال اثبات هستند. اثبات اینکه توانایی جنسیتی نیست. نقش مریم در این میان، فقط پیشتازی علمی نیست؛ او برای زنان یک نماد است، یک افق، یک الگویی که نشان می‌دهد می‌توان هم زن بود و هم نابغه. می‌توان در دل تبعیض‌های ساختاری، به بالاترین قله‌ها رسید. و مهم‌تر اینکه؛ می‌توان راه را برای دیگران باز کرد. اگرچه میرزاخانگی دیگر در میان ما نیست، اما میراثش پابرجاست؛ نه فقط در مقاله‌ها و نظریه‌هایش، بلکه در امیدی که در دل دختران جوان کاشت. امیدی که شاید یک روز، در گوشه‌ای از این سرزمین، دختری دیگر

که مدال فیلدز، نوبل ریاضیات، را به خانه برد. نه به خاطر آنکه زن بود؛ بلکه چون بهترین بود. چون به پرسش‌هایی پاسخ داد که ذهن بزرگ‌ترین ریاضی‌دانان را ده‌ها درگیر کرده بود؛ اما چرا باید چنین روزی در تقویم جهانی ثبت شود؟ پاسخ، نه در ستایش فردی، بلکه در احقاق یک حق تاریخی نهفته است. روز جهانی زن در ریاضیات، فرصتی است برای ایستادن، نگرستن و پرسیدن: چرا هنوز در بسیاری از دانشگاه‌ها، آزمایشگاه‌ها، و اتاق‌های فکر، زنان در اقلیت‌اند؟ چرا هنوز تصویر دانشمند در ذهن کودکان، اغلب مردی با عینک ته‌استکانی و موهای پریشان است؟ چرا دختران نوجوان، وقتی به ریاضیات می‌رسند، باید اول با کلیشه‌ها بجنگند و بعد با معادلات؟

ایمان روزبهرانی

بیست و دوم اردیبهشت، نه فقط یک تاریخ در تقویم، که نقطه‌ای روشن در حافظه علم است؛ زادروز زنی که نه تنها معادلات ریاضی را درنوردید، بلکه مرزهای جنسیتی در عرصه‌ای مردانه را با نبوغی خیره‌کننده درهم شکست: مریم میرزاخانگی. نام او امروز بهانه‌ای شده برای نام‌گذاری «روز جهانی زن در ریاضیات»؛ رویدادی نمادین، اما سرشار از معنا.

در جهانی که ریاضیات، قرن‌ها در انحصار روایت‌های مردانه بوده، ظهور مریم، نوعی بازنویسی تاریخ بود. در سال‌هایی که حضور زنان در علم، اغلب در حاشیه دیده می‌شد، او به قلب میدان قدم گذاشت. نخستین زنی

یاد و خاطره شهید، به ویژه (شهید جمال الدین مقدم زنجانی) که ۱۲ اردیبهشت ۶۵ به مقام شامخ شهادت نائل گشت، گرامی باد



جنگ غزه بینایی ۱۵۰۰ فلسطینی را گرفت

وزارت بهداشت فلسطین روز گذشته اعلام کرد که در نتیجه جنگ و تشدید محاصره ارتش رژیم صهیونیستی علیه نوار غزه، یک هزار و ۵۰۰ فلسطینی بینایی خود را از دست دادند و ۴ هزار نفر دیگر در معرض این خطر هستند. خبرنگار الجزیره نیز گزارش داد که در پی بمباران چادرهای آوارگان در شهر خان یونس در جنوب نوار غزه ۹ نفر شهید شدند که ۴ نفر از آن ها کودک بودند. آژانس امداد و کارایی سازمان ملل ویژه پناهندگان فلسطینی (آنرو) هم گزارش داد: هزاران کامیون در اختیار داریم که آماده ورود به نوار غزه هستند و تیم های ما نیز آماده گسترش عملیات خود در تحویل کمک ها هستند. هر چقدر مدت محاصره نوار غزه طولانی تر شود، آسیب هایی که غیرقابل اصلاح است افزایش خواهد یافت.



دوشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۱۱

دنیای سوادار

رویداد

حرف اول

مسکن، معیشت، عدالت؛

مثلث اصلی دغدغه های دولت مسعود چیست؟



مهرداد تیموری

نخستین صدای مسعود پزشکیان در مقام رئیس جمهور را یادتان هست؟ نه سیاسی بود، نه تبلیغاتی؛ بلکه صدای سفرهای بود که دارد کوچک و کوچک تر می شود. او، پیش از آنکه لب به وعده های بزرگ بگشاید، از «معیشت» گفت، از «محرومان» و از «صدای خاموش شده مردم». آیا این نشانه یک چرخش واقعی در مرکز ثقل سیاست گذاری دولت چهاردهم است؟ یا صرفاً تکرار همان دغدغه هایی است که در ادوار گذشته، تنها بر زبان آمد و نه به عمل؟

پزشکیان در سخنانی که در هفته های اخیر بارها تکرار کرده، نشان داده که تصویر روشنی از میدان بحران دارد: مردم گرفتار «مسکن»، «شغل» و «معیشت» اند. این سه گانه، شاکله وضعیت زیستی میلیون ها ایرانی است که هر روز بین تورم، اجاره نشینی، بیکاری و نااطمینانی از آینده در رفت و آمدند. اما آیا شناخت صرف کافی است؟ این پرسش زمانی جدی تر می شود که بدانیم بسیاری از دولت های پیش از او نیز کم و بیش با همین ادبیات روی کار آمدند؛ با شعار عدالت، اما در عمل اغلب با اسیر بوروکراسی مصلحت طلب شدن یا زیر فشار نهادهای موازی و قدرت های غیررسمی، از مسیر منحرف گشتند. یکی از برجسته ترین نکات عملکرد پزشکیان تا اینجا، تأکید او بر نقش «داده» در سیاست گذاری عمومی است. در پروژه ملی GNAF (سامانه ملی آدرس دهی مکان محور)، او بی پرده می گوید که مدیریت مبتنی بر داده، نخستین گام برای شفافیت و عدالت است. این یعنی خروج از تصمیم گیری های کورکورانه، مبتنی بر تخمین و مصلحت. اگر این سیاست به درستی پیش برود، می توان امیدوار بود که یارانه ها، کمک ها، مسکن اجتماعی، تسهیلات و منابع عمومی نه بر اساس روابط و نفوذ، بلکه بر پایه نیاز واقعی مردم توزیع شوند. اما باید دقت کرد که «شفافیت» در ایران، مفهومی پیچیده تر از صرفاً داشتن داده یا سامانه است.

سامانه های شفافیت پیش تر هم در دولت ها طراحی شده اند، اما آنچه کم بوده، «اراده برای اجرا» و «استقلال نهاد ناظر» است. تا زمانی که داده ها در اختیار نهادهایی است که خود بازیگر منافع اند، هیچ تضمینی وجود ندارد که اطلاعات برای کاهش فساد یا اصلاح توزیع به کار رود. آنچه پزشکیان را از دیگران متمایز خواهد کرد، ایستادگی او در برابر این مقاومت هاست؛ مقاومتی که از دل همان ساختارهای فراقانونی و ذی نفع می آید که او در شعارهای انتخاباتی اش وعده مبارزه با آن ها را داد. از سوی دیگر، بحث مسکن از نگاه پزشکیان، یک مسئله ای صرفاً اقتصادی نیست؛ بلکه مسئله ای است عدالت محور. او آشکارا می گوید: «درست نیست برخی چند خانه داشته باشند و برخی دیگر هیچ». این جمله در دل خود دو چیز دارد: یکی، اعتراض به انباشت سرمایه در دست گروهی خاص؛ و دیگری، نقدی ضمنی به سیاست های مالیاتی ناکارآمد. دولت ها یکی پس از دیگری از اجرای مالیات بر خانه های خالی طفره رفتند. حال باید دید آیا پزشکیان می تواند این تابو را بشکند؟ آیا وزارت اقتصاد و سازمان امور مالیاتی در دولت او، اراده ای جدی برای اخذ این مالیات خواهد داشت. یا باز هم در دام «لایحه سازی بی نتیجه» خواهد افتاد؟ در عین حال، پزشکیان از طرح کالابرج الکترونیکی نیز

سخن گفته؛ با حذف آورده نقدی مردم. این تصمیم، در شرایط کنونی تورم، می تواند برای دهک های پایین به ویژه بانزشتگان، کارگران روزمزد و خانوارهای بدون درآمد ثابت، اثرگذار باشد؛ به شرطی که به یک سامانه ناکارآمد یا غیرقابل دسترس بدل نشود، و توزیع آن واقعی و مستمر باشد. اما مسئله ای که فراتر از همه این برنامه ها مطرح است، «اعتماد عمومی» به نیت دولت است. مردمی که بارها وعده شنیدند و فقر کشیدند، به سادگی مجذوب شعار نخواهند شد. اگر سفره مردم دغدغه اصلی دولت است، باید پیش از هر چیز، سفره اطلاعات را برای خود مردم شفاف کرد. باید به مردم نشان داد که منابع کشور چگونه خرج می شود، چه کسانی از یارانه پنهان بهره می برند، کدام نهادهای معاف از مالیات اند، و چرا؟ نظام حمایت اجتماعی در ایران، سال هاست بر دوش کسری بودجه، تورم مزمن و ناکارآمدی مدیریتی خم شده است. پزشکیان اگر بتواند، ولو بخشی از این مسیر را به درستی طی کند، شاید بتواند نه فقط فقر را کاهش دهد، که اعتماد را بازسازی کند. و این، مهم ترین سرمایه ای است که یک رئیس جمهور در شرایط بحرانی امروز ایران می تواند داشته باشد. اگر دغدغه اش واقعاً سفره مردم است، راه روشن است: شفافیت، اجرای عدالت مالیاتی، تقویت نهادهای مردمی، و کنار زدن نهادهای مداخله گر.

رئیس جدید MI۶ یک زن خواهد بود

دیپلماتیک بریتانیا است، به دلیل انتقاد ناکافی از چین در دوران خدمت به عنوان سفیر بریتانیا در چین از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰، مورد انتقاد قرار گرفته است. تصمیم نهایی در مورد این انتصاب توسط نخست وزیر و با مشورت هیاتی از چهره های ارشد دولتی از جمله «دیوید لمی»، وزیر امور خارجه و «جان اتان پاول»، مشاور امنیت ملی، گرفته خواهد شد. MI۵، سرویس امنیت داخلی، دو مدیر کل زن، «دیم استاریمینگتون» و «دیم الیزامینینگهام پولر» داشته است. MI۶ که در سال ۱۹۰۹ تأسیس شد، ۱۷ رئیس داشته است که همگی مرد بوده اند.

در مجموعه جیمز باند، شخصیت «C» به صورت تخیلی «M» توصیف شده بود. فلمینگ این لقب را از روی حرف اول اولین رئیس MI۶، سر منسفیلد اسمیت کامینگ، انتخاب کرد. در زمان های جورج اسمایلی اثر جان لو کاره، رئیس این سرویس اطلاعاتی با نام «کنترل» شناخته می شد.

یک نامزد خارجی، نیز از گزینه های مورد علاقه است. رئیس سابق آژانس مرزی بریتانیا در حال حاضر به عنوان نماینده دائم بریتانیا در سازمان ملل متحد خدمت می کند و قبلاً در MI۶ کار نکرده است. «سریچارد مور»، رئیس فعلی MI۶، جاسوس سابقی بود که سفیر بریتانیا در ترکیه شد. در سال ۲۰۲۰، او برای تصدی این مقام به MI۶ بازگشت. دوره پنج ساله او اواخر امسال به پایان می رسد و جستجو برای جایگزین با سرعت در حال انجام است. گفته می شود مصاحبه های نهایی برای جانشین او هفته گذشته انجام شده است.

در سال ۲۰۲۳، سریچارد فاش کرد که از یک فهرست کاملاً مردانه استخدام شده است و در ایکس نوشت: «من با تلاش برای اطمینان از اینکه آخرین «C» انتخاب شده از یک فهرست کاملاً مردانه هستم، به ایجاد برابری زنان کمک خواهیم کرد». دیم باربارا، که در حال حاضر ارشدترین زن در سرویس

فهرست نهایی برای انتخاب رئیس جدید سرویس اطلاعات مخفی انگلیس (SIS)، که با نام «MI۶» نیز شناخته می شود، به سه نامزد زن کاهش یافته است. این بدان معناست که جاسوس ارشد بریتانیا، که در داخل با نام مستعار «C» به معنای «رئیس» شناخته می شود، یک زن خواهد بود.

سال ها پس از آنکه «جودی دنچ» در فیلم جیمز باند رئیس شد، قرار است برای اولین بار در تاریخ سرویس اطلاعات مخفی، یک زن مسئولیت MI۶ را بر عهده بگیرد. حداقل دو نفر از نامزدها افسران اطلاعاتی در حال خدمت هستند و بنابراین نمی توان نامی از آن ها برد. رئیس فعلی بازوی مهندسی MI۶ یک زن است و احتمالاً یک رقیب قوی خواهد بود و کسانی که با این سرویس آشنایی دارند، او را به عنوان نامزد معرفی کرده اند. این اداره در زمان ها و فیلم های جیمز باند اثر ایان فلمینگ به عنوان شعبه Q معرفی شده است. ساندی تایمز گزارش داد که «دیم باربارا وودوارد»،

وقتی امام جمعه فردیس، زبان وجدان عمومی می شود؛

حق دفن شدن، کم تر از حق

زیستن نیست

مهدی صالحی

در هفته ای که گذشت، حجت الاسلام والمسلمین سیدابراهیم حسینی، امام جمعه مردمی و پیگیر شهرستان فردیس، بار دیگر فریادی بلند بر زبان آورد؛ فریادی که نه رنگ سیاسی داشت و نه رنگ شخصی، بلکه بوی درد مردم می داد. ایشان صراحتاً خطاب به استاندار البرز، مجتبی عبداللهی، گفت: «مسئله آرامستان مطالبه جدی ماست؛ حق این مردم است با جمعیت ۸۰۰ هزار نفری یک آرامستان داشته باشند». این جمله، فراتر از یک گلایه معمولی از کم کاری مدیریت استان است. این جمله، سندی است از انکار یک «نیاز اولیه» انسانی. فردیس، شهری پرتراکم و مهاجرپذیر، سال هاست درگیر مسئله ای به ظاهر ساده اما در عمل تلخ و پیچیده است: نداشتن یک آرامستان رسمی. گویا در این شهر، مردن نیز هزینه ای مضاعف دارد. خانواده هایی که ناچارند عزیزان خود را به شهرهای اطراف منتقل کنند، علاوه بر درد سوگ، با بار اداری، مالی و روانی مضاعفی مواجه اند.

نکته ای تأسفک بارتر آنجاست که این مطالبه، سال هاست بر زمین مانده و تنها از زبانی به زبان دیگر منتقل شده است؛ از شورای شهر به فرمانداری، از فرمانداری به استانداری، و حالا به تربیون نماز جمعه. امام جمعه فردیس، با درک وزن اجتماعی این مسئله، دست روی یک «حقیقت رها شده» گذاشته است: مردمی که حتی برای دفن عزیزان شان، باید رنج مهاجرت بکشند.

پرسش اینجاست: چگونه شهری با این جمعیت و تراکم، هنوز فاقد زیرساختی به این بداهت و بدیهی بودن است؟ آیا عدالت فضایی و خدماتی، نباید شامل پایان زندگی نیز بشود؟ آیا وقت آن نرسیده که استاندار البرز، به جای وعده های کلی، درباره ای این مسئله ای مشخص، پاسخ روشنی بدهد؟ بی تردید آرامستان فقط مکانی برای دفن نیست؛ بخشی از زیست جهان شهری است که با فرهنگ، هویت، آیین های سوگواری و حتی حافظه جمعی مردم گره خورده. نبود آن، تنها یک ضعف عمرانی نیست، بلکه نوعی انکار کرامت و هویت شهری شهروندان است. مگر نه اینکه آرامستان ها آینه ای از گذشته اند؟ مکانی برای اتصال نسل ها، یادآوری ارزش ها، و حتی بخشی از نظم روانی جامعه؟

در دورانی که نمایندگان و مدیران شهری گاه خود را پشت جملات زیبا پنهان می کنند، صدای صریح امام جمعه فردیس، تلنگری ست برای بازگشت به اصول اولیه حکمرانی: توجه به زندگی - و مرگ - مردم. مطالبه ای چون آرامستان، نه لوکس است، نه حاشیه ای؛ یک نیاز انسانی، اجتماعی، شرعی و اخلاقی ست. فراموش نکنیم که کرامت انسان، به چگونگی زیستن او محدود نمی شود؛ بلکه به چگونگی بدرقه اش از دنیا نیز گره خورده است.

مدیرکل حج و زیارت البرز اعلام کرد: ۴۳۲ زائر حج تمتع این استان از ۱۵ اردیبهشت ماه جاری تاکنون به حج تمتع اعزام شده اند. عباس دمیرچی: از مجموع اعزامی ها ۴۱۹ نفر زائر و ۱۳ نفر خادم هستند. وی اضافه کرد: امسال در مجموع یک هزار و ۵۳۹ زائر حج تمتع از این استان در قالب ۱۱ کاروان با ۴۶ خادم سفر به سرزمین وحی اعزام می شوند. دمیرچی بیان کرد: طبق برنامه ریزی انجام شده آخرین کاروان استان البرز چهارم خرداد ماه اعزام خواهد شد.



از «البرز» چه خبر؟

استاندار البرز:

گره‌گشایی از مشکلات واحدهای تولیدی، اولویت جدی استان است



تسهیل مجوزها شده‌اند. استان البرز حدود چهار هزار واحد تولیدی و صنعتی با اشتغالزایی بیش از ۱۲۰ هزار نفر دارد.

اقتصاد استان است و ما موظفیم با تمام توان، موانع پیش‌روی واحدهای فعال و موثر را رفع کنیم. وی گفت: حمایت کامل از پروژه‌های پیشران صنعتی در دستور کار جدی استان است. وی بیان کرد: پروژه‌هایی مانند همیار فیلتر ایرانیان که در زمره طرح‌های های‌تک و پیشران استان قرار دارند، به‌طور کامل مورد حمایت استان هستند و تسریع در اجرای آن‌ها در اولویت قرار دارد. عبداللہی افزود: این واحد بزرگ صنعتی با بیش از ۷۰ درصد پیشرفت فیزیکی، ظرفیت اشتغال مستقیم برای ۴۵۰ نفر و صرفه‌جویی ارزی چشمگیر دارد و با دستور صادرشده در جلسه، همه دستگاه‌های اجرایی موظف به همکاری کامل در تأمین زیرساخت‌ها و

استاندار البرز گفت: رفع موانع پیش‌روی صنایع و واحدهای بزرگ تولیدی یکی از مهم‌ترین محورهای کاری مدیریت استان است و جلسات کارگروه تسهیل تولید با هدف پیگیری دقیق، اتخاذ تصمیم و اجرای راهکارهای عملیاتی برگزار می‌شود. مجتبی عبداللہی شبیه شب در نشست ستاد تسهیل و رفع موانع تولید استان البرز افزود: در این نشست، مشکلات ۶ واحد تولیدی در زمینه‌هایی نظیر تأمین زیرساخت، مسائل بانکی، مالیاتی، مجوزها و موانع اداری مطرح و برای حل هر یک از آن‌ها تصمیم‌گیری‌های مشخص و اجرایی اتخاذ شد. استاندار البرز با تأکید بر اهمیت پایداری تولید و حفظ اشتغال موجود خاطرنشان کرد: تولید، ستون فقرات

سه ایستگاه جدید آتش‌نشانی در کرج ساخته می‌شود

شهرداری کرج بیان داشت: ایستگاه محمود آباد با هزار متر مربع، حسن‌آباد با ۹۰۰ مترمربع و شهرک یاس با ۵۰۰ مترمربع زیربنا، به‌عنوان ایستگاه‌های راهبردی نقش بسزایی در کاهش زمان رسیدن به محل حادثه ایفا خواهند کرد. یساولی گفت: این اقدام نه تنها سطح ایمنی شهروندان را افزایش می‌دهد بلکه با توسعه زیرساخت‌های امدادی، مسیر تحقق یک شهر تاب‌آور و ایمن را هموارتر می‌سازد. وی در پایان خاطرنشان کرد: با بهره‌برداری از این ایستگاه‌ها، شاهد ارتقاء چشمگیر آمادگی عملیاتی رئیس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری کرج در برابر حوادث خواهیم بود.

رئیس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری کرج گفت: عملیات احداث سه ایستگاه جدید آتش‌نشانی در سال ۱۴۰۴ آغاز می‌شود. محمد یساولی اظهار کرد: در راستای توسعه متوازن خدمات امدادی و افزایش پوشش عملیاتی در مناطق مختلف شهری، عملیات احداث سه ایستگاه آتش‌نشانی حسن‌آباد، محمود‌آباد و محدوده شهرک یاس (شاهین ویلا) در سال ۱۴۰۴ آغاز خواهد شد. وی افزود: با تخصیص ردیف اعتباری معادل ۵۰۰ میلیارد ریال، شاهد آغاز ساخت سه ایستگاه مجهز و مدرن خواهیم بود که هر یک با توجه به نیاز منطقه طراحی شده‌اند. رئیس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی



نجات کوهنورد ۴۳ ساله در ارتفاعات دیزین کرج



کوهپیمایی می‌کنند که سبب مشکلاتی برای خود و دیگران می‌شوند. وی اضافه کرد: چند روز پیش یک تیم دوستانه در کوه های عظیمیه اقدام به کوهپیمایی کرده بودند و بدون آگاهی مصادف زیادی پیموده و دچار سردرگمی در مسیر شدند که این موارد سبب خطرات احتمالی برای آنان خواهد شد.

امداگران با پیمودن مسیر سخت و ناهموار و پس از انجام اقدامات اولیه، تثبیت و بسکت کردن، مصدوم را با برپایی چهار کارگاه بالاکنشی نجات، پس از چند ساعت تلاش بی‌وقفه از عمق ۴۰۰ متری به محل امن منتقل و تحویل نیروهای اورژانس شد. خلفی افزود: متأسفانه برخی از هموطنان بدون آشنایی با مناطق کوهستانی اقدام به

مدیرعامل جمعیت هلال احمر البرز از نجات معجزه آسای کوهنورد ۴۳ در قله کلون بستک این استان در حاشیه جاده کرج - چالوس خبرداد. «محمداقبر خلفی» گفت: پس از اعلام سقوط این کوهنورد از ارتفاعات دیزین با شیب حدود ۷۰ درجه، بلافاصله تیم‌های نجات کوهستان از پایگاه عظیمیه کرج و پایگاه منطقه ۲ آزادراه تهران-شمال به محل حادثه اعزام شدند. وی اضافه کرد: با توجه به شدت جراحات، سرمای شدید منطقه و شرایط خاص ارتفاع محل حادثه، پس از ارزیابی اولیه و اقدامات پیش‌بیمارستانی، هماهنگی لازم برای انتقال مصدوم از طریق بالگرد انجام شد. خلفی افزود: مصدوم پس از تثبیت فیزیکی توسط کارگاه نجات فنی با هوشیاری کامل برای انتقال به مرکز درمانی، به تیم امداد هوایی هلال احمر تحویل داده شد. وی همچنین از آن نجات یک مرد ۴۵ ساله در آبخار مرورد در جاده کرج - چالوس در محدوده این استان طی چندروز اخیر خبرداد و گفت:

ضرورت بازنگری در طرح‌های فنی آب‌خیزداری

و پایان دور باطل گزارش نویسی؛

نجات هیرکانی از دل کاغذها

علیرضاناظری

در روزگاری که اقلیم ایران دستخوش تلاطم‌های بی‌سابقه شده و تراز آب‌های زیرزمینی به‌سرعت فروکش می‌کند، آینده سرزمین نه در برج‌های سیمانی، که در پایداری جنگل‌ها و کوهپایه‌ها رقم خواهد خورد. جنگل‌های هیرکانی، به‌منابه‌ریه سبز شمال ایران و گواهی زنده از میلیون‌ها سال حیات در زیست‌بوم ایران، امروز میان دو چالش بنیادین گرفتار آمده‌اند: تخریب میدانی و مدیریت کاغذی.

نشست اخیر «باید و نبایدهای جنگل ایران» در دانشکدگان منابع طبیعی دانشگاه تهران، نه صرفاً یک جلسه تخصصی، که آئین هشدار برای زیست‌محیطی است که در حال واژگونی است. معاون امور جنگل سازمان منابع طبیعی و آب‌خیزداری کشور با زبانی صریح و بی‌پرده، از نقاط ضعف و بحران‌های طرح‌های موجود سخن گفت: طرح‌های فنی و اجرایی حوضه‌های آبخیز، اگرچه در سال ۱۴۰۰ تدوین شده‌اند، امروز نیازمند بازنگری و به‌روزرسانی اساسی‌اند.

واقعیت آن است که ایران امروز، دیگر ایران ۱۴۰۰ نیست. بحران خشکسالی، تضعیف پوشش گیاهی، رشد بی‌قاعده شهرنشینی و تخریب گسترده حاشیه جنگل‌ها، همگی مؤید آن‌اند که طرح‌های سه‌سال پیش، هرچند دقیق و پررحم، دیگر پاسخگوی شرایط امروز نیستند. تولید بیش از ۲ میلیارد داده، ۷۵ لایه مطالعاتی، ۱۵ هزار نقشه و صدها گزارش اگر در میدان اجرا به انسجام و اقدام نینجامد، فقط وزن سراسرمان‌آور بایگانی‌های دولتی را بیشتر می‌کند.

اشرفی‌پور به‌درستی از بی‌انسجامی و فقدان نقشه‌راه روشن در مدیریت پایدار جنگل‌های شمال گفت. آنچه در این میان بیش از همه فقدان حس می‌شود، یک رویکرد اجرایی خودکفا و دانش‌بنیان است. او به‌درستی اشاره کرد که نمی‌توان همواره برای عملیات جنگل‌داری منتظر بودجه دولتی بود. این جمله، اگرچه ساده است، اما عمق بحران نظام تصمیم‌سازی محیط‌زیست کشور را بازتاب می‌دهد. فقدان راهبردی برای تأمین پایدار منابع مالی در جنگل‌داری، دقیقاً همان گرهی است که امروز پروژه‌های احیا و غنی‌سازی جنگل را ناکارآمد کرده است.

در برنامه ششم توسعه، پیش‌بینی شده بود که سالانه ۳۵۰ هکتار عملیات پرورشی در جنگل‌های طبیعی کشور صورت گیرد. اما فقدان بودجه باعث شد که این اقدامات پراکنده و غیرمتمرکز باقی بماند. یعنی هم طرح داشتیم، هم نقشه، هم هدف‌گذاری؛ اما نبود سازوکار مالی، آن را از حرکت بازداشت. این تصویر آشنا در مدیریت محیط‌زیست ایران است: سیاست‌های زیبا و شعارهای متروقی که هرگز فرصت پا گذاشتن به زمین اجرا را نمی‌یابند.

طرح به‌روزرسانی اقدامات فنی اجرایی، اگر صرفاً در حد بازنویسی همان داده‌ها و جابه‌جایی واژگان باشد، هیچ تحولی رقم نخواهد زد. تنها زمانی می‌توان به اثرگذاری این طرح امیدوار بود که در دل خود «مدل اجرا»، «منطق خودگردانی» و «پیوند با جامعه محلی» را بازتعریف کند. جنگل‌های هیرکانی، به‌عنوان یکی از ذخیره‌گاه‌های زیستی ثبت‌شده جهانی، بیش از حفاظت قانونی، نیازمند مشارکت واقعی مردم و بهره‌برداران جنگل است. طرح‌های آینده باید این پرسش بنیادین را پاسخ دهند: چگونه می‌توان از ظرفیت دانش بومی، دانشگاه‌ها، بخش خصوصی و مردم محلی برای احیای جنگل بهره گرفت، بدون اینکه باری دوباره بر دوش بودجه ناتوان دولت بیفزاییم؟ اگر اقدامات فنی، از پیوست‌های اکوسیستمی و اجتماعی بی‌نصیب باشند، در عمل به ابزاری برای «مدیریت از بالا» تبدیل می‌شوند؛ مدلی که بارها شکست خورده و جنگل‌های ما را به مرز نابودی کشانده است. مدیریت پایدار جنگل نه فقط در حفاظت، بلکه در بازگرداندن حیات اقتصادی و اجتماعی به روستاهای جنگلی نیز معنا می‌یابد. در غیر این صورت، با هر زلزله‌ای، با هر سیلی، و با هر موج بیماری، باید منتظر یک فاجعه جدید زیست‌محیطی باشیم؛ فاجعه‌ای که شاید این بار نه تنها جنگل، که امید به احیا را هم با خود ببرد.

سردار «حسین رحیمی» -رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا- از دستگیری و شناسایی ۱۰۲ هزار متهم اقتصادی در سال گذشته خبر داد و گفت: سال گذشته ۲۹۰ همت انواع جرایم اقتصادی کشف شد که نسبت به سال قبل از آن ۱۳۶ درصد افزایش داشته است. رشد تولید نیز به تکالیف پلیس افزوده شده است. سردار رحیمی برخورد با قاچاقچیان فرآورده‌های نفتی را مأموریت مهم پلیس امنیت اقتصادی عنوان کرد و افزود: سال گذشته ۴۴۹ میلیون لیتر سوخت و فرآورده‌های نفتی قاچاق کشف شد که این میزان در مقایسه با سال قبل آن (۱۴۰۲) میزان ۱۶۹ درصد افزایش یافته است.



«دنیای هوادار» بررسی می‌کند: بانک سینا و مسئله ورود به اقلیم اقتصاد مرزی بانگاهی توسعه محور؛

طنین سینای توسعه در جلفا

فرزاسدی



بانک‌هایی چون سینا که داعیه ساختار مالی سالم و انعطاف‌پذیر دارند - حاضرند تعریف مأموریت خود را از «ارائه خدمات بانکی» به «همکاری در توسعه منطقه‌ای» ارتقاء دهند یا نه. منطقه آزاد ارس، امروز آینه‌ای تمام‌نما از فرصت‌ها و تناقض‌های توسعه در ایران است: از یک‌سو گلوگاه تجارت منطقه‌ای، از سوی دیگر، خاک حاصلخیز ولی تشنه سرمایه. از یک سو نزدیکی جغرافیایی با بازارهای خارجی، و از سوی دیگر فاصله نهادی و مالی با زیرساخت‌های نوین.

بانک سینا می‌تواند در این بزرگ‌نمایی نقش‌آفرینی کند؛ نه صرفاً با عده‌های جذاب صورت‌های مالی‌اش، که با ایجاد اعتماد و جسارت در میان فعالان اقتصادی، با طراحی ابزارهای مالی نوآورانه برای صادرات، با تسهیلات هدفمند برای صنایع کوچک و با کارگزاری‌های حرفه‌ای برای تعاملات بین‌المللی.

از نظر جامعه‌شناسی توسعه، آنچه مناطق آزاد را به فرصت بدل می‌کند، نه تخفیف‌های مالیاتی، که «تراکم نهادهای مؤثر» است؛ بانک، دانشگاه، بیمه، حمل‌ونقل، همه و همه باید در یک مدار هماهنگ و هم‌افزا عمل کنند. و در این منظومه، بانک‌ها نقشی یگانه دارند: زیرا آن‌ها تعیین می‌کنند کدام ایده، سرمایه می‌گیرد و کدام نمی‌گیرد؛ کدام رویا، به پروژه بدل می‌شود و کدام، صرفاً در ذهن می‌ماند. بانک سینا اکنون با قدم‌نهادن در ارس، در معرض این آزمون تاریخی‌ست: آیا می‌خواهد صرفاً بانک مرزی باشد، یا شریک توسعه مرز نشینان؟ اگر پاسخ دوم باشد، باید از همین امروز، پای گفت‌وگوی واقعی با اقتصاد بومی بنشینند، ریسک کند، و فراتر از عدد و حساب، آینده را ببینند.

صرفاً خدماتی و یک بانک توسعه‌گرا شکل می‌گیرد. در کشورهای موفق، مناطق آزاد نه با تخفیف‌های گمرکی، بلکه با حضور نهادهای مالی هوشمند و آینده‌نگر جان می‌گیرند. آیا بانک سینا حاضر است بخشی از مدل کسب‌وکار خود را برای ورود به ارس بازطراحی کند؟

سرمایه انسانی، حلقه مفقوده یا برگ برنده؟

مسئله ساده است: اگر بانکی بخواهد در منطقه‌ای ریشه بدواند، باید با مردمش آغاز کند. در گفت‌وگو با جوانان کارآفرین منطقه که به‌تازگی استارت‌آپ‌های کوچک در زمینه صادرات محصولات بومی راه‌اندازی کرده‌اند، یک دغدغه تکرار می‌شود: عدم دسترسی به خدمات مالی مدرن. تسهیلات کوچک، سامانه‌های پرداخت امن بین‌المللی، خدمات مشاوره مالی - این‌ها چیزهایی هستند که به گفته یکی از آنان، «نه آرزوی ما، که حق ماست. اما فعلاً بیشتر رویا به‌نظر می‌رسد».

بانک سینا اگر می‌خواهد متفاوت عمل کند، باید با این سرمایه انسانی بومی ارتباط بگیرد. باید بداند که جلفا، فقط محل عبور ترانزیت نیست، بلکه محلی‌ست که در آن خانواده‌ها، خرده‌تولیدکنندگان و کارآفرینان بومی، می‌خواهند بخشی از زنجیره جهانی اقتصاد شوند. آنان بانک نمی‌خواهند که فقط حساب جاری‌شان را باز کند؛ آنان بانکی می‌خواهند که آینده‌شان را بفهمد.

بانک سینا، در آزمون آینده‌نگری و تعهد واقعی به اقتصاد منطقه‌ای

در نهایت، مسئله فقط به افتتاح یک شعبه ختم نمی‌شود. مسئله این است که آیا بانک‌ها - به‌ویژه

آنچه بارها در عمل سد راه بوده، نه فقدان سرمایه‌گذار یا بازرگان، بلکه فقدان پشتیبانی مؤثر بانکی است. حال، ورود رسمی بانک سینا به میدان، می‌تواند معنایی فراتر از یک تابلو و باجه داشته باشد: فرصتی برای بازآفرینی رابطه اقتصاد محلی با نظام مالی.

دکتر علی ابدالی، مدیرعامل بانک سینا، در همان نخستین جلسه‌اش با فعالان اقتصادی جلفا به‌صراحت گفت: «قدرت هر بانک، در توانایی جذب منابع و پرداخت تسهیلات نهفته است». این گزاره ساده، اما عمیق، درست همان‌جایی را نشانه می‌رود که سال‌ها منطقه آزاد ارس از آن رنج برده: تسهیلات محدود، بروکراسی پیچیده، نبود همراهی با تولیدکنندگان و فقدان خدمات ارزی و سرمایه‌ای در قامت نیاز واقعی منطقه؛ اما آیا بانک سینا با ساختار اقماری خود - از صرافی تا لیزینگ و تأمین سرمایه - می‌تواند این خلأ را پر کند؟ یکی از بازرگانان با سابقه منطقه که نخواست نامش فاش شود، به ما گفت: «ما سال‌هاست با بانک‌های مختلف کار می‌کنیم. اما کمتر بانکی پیدا شده که واقعاً زبان تجارت مرزی را بفهمد؛ یعنی بفهمد سرعت، انعطاف و اعتماد، بیش از هر چیز دیگر در اینجا تعیین‌کننده است. اگر سینا این سه اصل را درک کند، بُرد با اوست».

تراژدی ظرفیت‌های خوابیده و غفلت شبکه بانکی

منطقه آزاد ارس با بیش از ۵۱ هزار هکتار وسعت و دسترسی زمینی و ریلی به مرزهای حساس، به‌لحاظ نظری باید یکی از پیشروان‌های اقتصاد صادرات‌محور کشور باشد. اما در عمل، بنابر آمارهای رسمی، سهم ناچیزی در جذب سرمایه خارجی و گردش مالی دارد. چرا؟ یک پاسخ صریح دارد: نبود اکوسیستم بانکی منعطف.

در گفت‌وگو با هادی مقدم‌زاده، مدیرعامل سازمان منطقه آزاد ارس، نکته مهمی طرح شد: «ما امروز به بانک‌هایی نیاز داریم که نه فقط وام‌دهنده، بلکه شریک اقتصادی باشند. بانک سینا می‌تواند با شناخت دقیق زنجیره‌های ارزش منطقه، در حوزه کشاورزی صنعتی، توریسم سلامت، لجستیک و صنایع سبک وارد شود. این همان نقطه‌ای‌ست که تفاوت میان یک بانک

در حاشیه‌ی رود ارس، جایی میان گره‌گاه‌های مرزی، جغرافیا تنها به زمین و نقشه خلاصه نمی‌شود؛ بلکه به سرمایه، اعتماد و جریان پویای زندگی بدل می‌شود. اینجا، در منطقه آزاد ارس، داستان توسعه نه در ساختمان‌های تجملی و جلسات بی‌پایان که در جریان واقعی کسب‌وکارها، بازرگانان، تولیدکنندگان و بنگاه‌های کوچک و بزرگ رقم می‌خورد. و در دل این داستان، نظام بانکی به‌مثابه موتور پیشران، یا برعکس، ترمز ناپیدای توسعه عمل می‌کند.

نوشترآ پیش‌رو، صرفاً شرح یک افتتاحیه بانکی دیگر نیست؛ تلاشی است برای رمزگشایی از یک حرکت استراتژیک: ورود رسمی بانک سینا به بطن یکی از مهم‌ترین قطب‌های اقتصادی شمال‌غرب کشور. سؤالات ما روشن است: آیا بانک سینا می‌تواند نقش یک بانک توسعه‌گرا را در منطقه‌ای ایفا کند که هم مرزی است، هم فرصت‌خیز، و هم نیازمند زیرساخت مالی پایدار؟ آیا این ورود، نشانه‌ی یک تغییر پارادایم در مناسبات بانکی با مناطق آزاد است یا صرفاً حرکتی نمایشی در قاب روابط عمومی؟

از لایه‌ای گفتگو با فعالان اقتصادی، مقامات محلی و تحلیل ظرفیت‌های پنهان منطقه آزاد ارس، کوشیده‌ایم تا نشان دهیم چگونه یک نهاد مالی می‌تواند - اگر بخواهد و بتواند - به جایگاه «بانک توسعه‌ای» نزدیک شود. و البته که نگاهی انتقادی هم خواهیم داشت: نسبت بانک‌ها با مسئولیت اجتماعی، با آینده‌نگری، و با ریسک‌پذیری در دل بن‌بست‌های بروکراتیک؛ و اینکه آیا «سینا» برای این نقش آماده است یا نه.

در نگاه اول، شاید افتتاح یک شعبه بانکی در شهری مرزی، خبر چندان خاصی به نظر نرسد؛ اما وقتی این شهر، جلفاست - با موقعیتی استراتژیک در مثلث سه‌گانه ایران، ترکیه و جمهوری آذربایجان - و این بانک، یکی از بانک‌های خصوصی خوش‌نام با ساختار مالی سالم است، ماجرا متفاوت می‌شود. منطقه آزاد ارس سال‌هاست در سودای بدل شدن به قطب تجارت منطقه‌ای است، اما

در هفته خانواده و جوانی جمعیت برگزار می‌شود؛ جشنواره ملی هنری «نسل امید»

اصغر قلندری



و ملی برگزار خواهد شد.

وی تصریح کرد: دبیرخانه در استفاده از آثار ارسالی در توزیع شبکه‌ای رسانه‌ای، دارای اختیار تام بوده و هر هنرمند با شرکت در جشنواره، اجازه کامل استفاده از آثار خود را به دبیرخانه جشنواره و اگزار می‌کند.

کریمی با اشاره به اینکه آثار ارسالی نباید در جشنواره‌های دیگر حائز رتبه شده باشند، افزود: آثار برگزیده استانی در هر بخش به مرحله ملی راه خواهند یافت و برای انتخاب چهره‌های نهایی در سطح ملی، مجدداً داوری خواهند شد.

وی ادامه داد: هر فرد می‌تواند همزمان در چند بخش شرکت کند و به تمامی هنرمندانی که به مرحله نهایی جشنواره راه یابند، گواهی شرکت اهدا خواهد شد.

کریمی در خاتمه ابراز کرد: آخرین مهلت ارسال آثار ۲۴ اردیبهشت‌ماه است؛ داوری و اعلام نتایج مرحله

هنری مرتبط، ایجاد بستری مناسب برای توزیع اثربخش تولیدات هنری، تبیین و آگاه‌سازی اجتماعی درباره ضرورت جوانی جمعیت (با شعار «آینده را ببینیدش»)، ترویج فرهنگ ازدواج و فرزندآوری (با عنوان «آینده را بساز»)، پرداختن به چالش‌ها و تهدیدهای سالخوردگی جمعیت کشور (با شعار «آینده را بیمه کن»)، و بررسی قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت و چالش‌های اجرای آن (با شعار «آینده را بنگر»)، از جمله اهداف این جشنواره است.

کریمی افزود: بخش‌های جشنواره شامل هنرهای تجسمی (گرافیک، کارتون و کاریکاتور، عکس)، آفرینش‌های ادبی (شعر طنز، داستانک، نمایش‌نامه، سده‌قیقه‌ای) و هنرهای تصویری (موشن گرافی، انیمیشن، فیلم کوتاه) خواهد بود. تمامی امور ثبت‌نام و دریافت آثار از طریق سایت ArtFest.ir انجام می‌شود و جشنواره در دو مرحله استانی

همزمان با هفته خانواده و جوانی جمعیت، و در راستای جریان‌سازی و حمایت از تولید و توزیع مؤثر آثار هنری با موضوع حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، نخستین جشنواره ملی هنری «نسل امید» با همکاری معاونت امور جوانان وزارت ورزش و جوانان و معاونت راهبری استان‌های حوزه هنری انقلاب اسلامی برگزار می‌شود. فرهاد کریمی، سرپرست معاونت فرهنگی و امور جوانان اداره کل، در گفت‌وگو با «دنیای هوادار» اظهار کرد: هدف این جشنواره، کمک به رشد و شکوفایی تولید محتوای هنری با موضوع خانواده و جوانی جمعیت است.

وی تصریح کرد: جریان‌سازی و تشویق به تولید آثار هنری با موضوع خانواده و جوانی جمعیت، حمایت و تقدیر از هنرمندان فعال و پیشرو در زمینه تولید آثار و محصولات



عنایت‌الله نظری‌نوری نقاش پیشکسوت درگذشت

عنایت‌الله نظری‌نوری؛ نقاش پیشکسوت در ۸۸ سالگی دار فانی را وداع گفت. گالری شکوه که اکثر نمایشگاه‌های انفرادی عنایت‌الله نظری‌نوری نقاش پیشکسوت را در دهه اخیر برگزار کرده، درگذشت او را اعلام کرده است. زنده‌یاد نظری نوری متولد ۱۳۱۶ در محله سرچشمه تهران، فارغ‌التحصیل دوره کارشناسی رشته ادبیات دانشگاه تهران و دوره ممتاز نقاشی جهاد دانشگاهی هنر بود. اگرچه او بیشتر با آثار خط نستعلیق شکسته و پالت رنگی متنوعش شناخته می‌شود اما علاوه بر کلیگرافی در زمینه نقاشی آبرنگ هم تجارب بسیاری داشته است. نظری نوری نقاشی و هندسه خط را نزد استادانی همچون ایزدپناه و رضا مافی فراگرفت. وی علاوه بر برپایی نمایشگاه‌های داخلی چندین نمایشگاه جمعی و فردی در کشورهایی نظیر ایتالیا، سوئیس، انگلستان، آمریکا و استرالیا داشته است. در این بین مجموعه‌ای از کلیگرافی‌ها و منظره‌نگاری‌های آبرنگ او از طبیعت نواحی مختلف ایران همچون کوهستان‌های لنظز که با عنوان «ایران من سلام» در گالری شکوه تهران به نمایش درآمد توجه بسیاری را به خود جلب کرد.

دوشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۱۱

دنیایک‌سوادار

فرهنگی

دست‌به‌نقد

«وحشت» در دو جهان ادبیات و سینما درگیری از آثار جرج رومرو؛

امر جدایی‌ناپذیر

سپیده‌بینگلی

اگر زد پای محبوبیت ژانر وحشت را دنبال کنیم، به گذشته‌های دور می‌رسیم. بسیار دورتر از وقتی اولین داستان‌های ترسناک نوشته شدند و اولین فیلم‌های ترسناک به روی پرده رفتند. انگار ذات انسان از همان ابتدای پیدایش بدنبال تجربه هیجان و ناشناخته‌ها بوده و بی‌راه نیست که عمر کنجکاو

نسبت به وحشت را به درازای عمر انسان بدانیم. در مورد دلیل علاقه و تمایل انسان به ژانر وحشت نظریه‌های زیادی مطرح شده است. از نیمه دوم دهه هفتاد پژوهش‌هایی انجام شد که چرا مخاطبان برای دیدن آثاری که ممکن است صحنه‌های آزاردهنده‌ای برایشان داشته باشد، مشتاق‌اند. مسیر رسیدن به پاسخ این پرسش سرراست نبود و هر کس به مقصدی متفاوت رسید. بعضی از پژوهشگران معتقد بودند خواندن و دیدن آثار ترسناک ما را در موقعیت‌های ناشناخته امن قرار می‌دهد؛ یعنی ما با علم بر اینکه در امنیت هستیم، می‌توانیم پشت پرده جریان عادی زندگی را ببینیم و اصول و قواعد را زیر پا بگذاریم و از روی تعریف‌ها بگذریم. بعضی دیگر سعی می‌کنند پاسخ این پرسش را از منظر روانکاوی بدهند.

«دیوید کراننبرگ» می‌گوید ناخودآگاه جمعی ما مردابی سیاه است و هیولایی در دل دارد؛ هیولایی که همیشه دلش می‌خواهد بیرون بپرد. بنابراین ما به فیلم‌های ترسناک علاقه داریم چون به دلان‌های پنهان ذهن می‌رود و بخش‌های سرکوب شده‌اش را قلقلک می‌دهد. آثار ترسناک می‌توانند تمام ترس‌ها، اضطراب‌ها و توهّمات پنهان ذهن را بیرون بکشند و ما را در موقعیت غریبی قرار دهند که در طول روز و در جریان زندگی روزمره هرگز تجربه‌اش نمی‌کنیم. نظریه‌هایی هم پا را فراتر گذاشته‌اند و گفته‌اند علاقه ما به آثار ترسناک بدلیل امیال سرکوب‌شده در دل خانواده و جامعه است.

این گفته‌ها از نظریه فریود نشأت می‌گیرند؛ همان نظریه‌ای که می‌گوید تمام احساسات، عواطف، هوس‌ها، امیال و باورهای در بخش ناخودآگاه ذهنمان پنهان‌اند و هر آنچه سرکوب و نفی می‌شود به این بخش می‌رود تا زندگی بصورت موقت به جریان عادی‌اش برگردد. درواقع، ما آثار ترسناک را دوست داریم چون بخش مرده و همیشه سرزنش‌شده وجودمان را بیدار می‌کنند؛ استفن کینگ می‌گوید وحشت دو وظیفه دارد: اول اینکه مثل یک کمد است؛ می‌توانیم ترس‌هایمان را در آن بگذاریم و درش را قفل کنیم، چون مانع زندگی عادی هستند، دیگری اینکه هم‌زمان می‌توانیم آرزوهای پنهانمان را آزاد کنیم. از طرف دیگر منتقدانی تحلیل کردند که آثار ترسناک می‌توانند پلیدی‌ها و رنج‌های پنهان در جامعه را به‌شکل کنایی به‌تصویر بکشند و راوی زمانه‌شان باشند! و در نهایت، بعضی دیگر هم باور دارند که نمی‌شود برای این سؤال، پاسخ روشنی پیدا کرد و شاید اصلاً نباید بدنبال پاسخ خاصی گشت. ما فیلم‌های ترسناک را دوست داریم چون دوست داریم.

در طول این سال‌ها ژانر وحشت چه در قالب سینما و چه در چارچوب ادبیات بیشتر وقت‌ها به جریانی عامه‌پسند تقلیل داده شد که جز ترساندن و هیجان‌زده‌کردن مخاطب کارکرد دیگری ندارد. بسیاری معتقد بودند این ژانر تنها برای گریز از واقعیت و فاقد عمق و اهمیت است. بااین‌حال، این ژانر در طول زمان بی‌مهری‌ها را با آثاری تکان‌دهنده پاسخ داد. رمان‌هایی نوشته شدند و فیلم‌هایی ساخته شدند که نمی‌شد به آن‌ها به چشم سرگرمی عصر روز تعطیل جوان‌های ماجراجو نگاه کرد؛ جریانی به راه افتاده بود که از دل جامعه جان گرفته بود و می‌شد آن را اعتراضی به وضع موجود دانست. همانطور

که وود در این باره گفته بود: «موضوع اصلی ژانر ترسناک، تلاش برای درک و شناخت همه آن چیزهایی است که نظم اجتماعی سرکوب کرده!» حالا بعضی از آثار این ژانر با قدرتشان در برهم‌زدن قوانین و زیر پا گذاشتن اصول صدای بلند زمانه‌شان شده بودند. وقتی جرج رومرو، شب مردگان زنده را ساخت یا وقتی شش‌سال بعد، استفن کینگ اولین رمانش را منتشر کرد، شاید کسی فکرش را نمی‌کرد ژانر وحشت چه در ادبیات و چه در سینما، وارد دوره‌ای تازه شده باشد. دورانی که نشان می‌داد ژانر وحشت در جایگاه خودش صدای بلندی از جامعه است؛ خون‌آشام‌ها می‌توانند بازتاب امیال جنسی باشند و هیولاها نمادی از بی‌عدالتی و جنون و زامبی‌ها نشانه‌ای از جنگ‌های بین کشورها و نزاع‌های نژادی. در هر حال، بعدها آثار مهمی در ژانر وحشت ساخته شدند که بسیاری‌شان از همکاری جهان و ادبیات جان گرفته بودند؛ یعنی آثار ترسناک اقتباسی.

- وحشت از کجا پیدایش شد؟

همانطور که گفته شد، پیگیری زد پای ژانر وحشت، ما را به دوران غارنشینی می‌کشاند. بااین‌حال، اولین نمونه‌های ادبی که آن‌ها را می‌شناسیم و می‌توانیم بدان‌ها استناد کنیم، داستان‌های بومی هستند. داستان‌های خدایان، اسطوره‌ها، فرقه‌ها، جادوها، خواب‌ها و... انگار انسان همیشه پاسخ ابهام‌ها و سؤال‌هایش را در داستان‌های جوریده و ناخودآگاه با دنبال کردن قصه‌ها به نیازی ناشناخته در درونش پاسخ می‌داده است. در ادبیات سن‌وسال‌دار ایران هم افسانه‌های ترسناک و ضدقهرمان‌های مشهوری مثل غول‌ها و پری‌ها وجود دارند؛ همچنین در آثار نویسندگانی مثل فردوسی می‌توان زد پای شخصیت‌های غیرمعمول و ترسناک را دنبال کرد.

بطور کلی داستان‌های ترسناک از دوران باستان شروع شدند؛ بعدها به قالب اساطیر یونانی درآمدند و در هر دوره چهره تازه‌ای به خود گرفتند. کم‌کم آن نقاشی‌های عجیب روی دیوارهای غار تبدیل به غول‌ها و هیولاها شدند و بعد به هیبت زامبی‌ها و خون‌آشام‌ها درآمدند. یکی از مهم‌ترین دوره‌ها در تاریخ این ژانر، دوره ظهور ادبیات گوتیک بود.

انتشار رمان «قلعه آثرانتو، یک داستان گوتیک» به‌قلم هوراس والپول در سال ۱۷۱۶ میلادی، نویدبخش شروع جریانی تازه بود که بعدها ادبیات گوتیک نام گرفت. جریانی تازه که مثل رویداد دیگری ابتدا مورد بی‌توجهی قرار گرفت و بعد به جایگاهی رسید که دیگر نمی‌شد آن را نادیده گرفت! این ژانر که خود بخشی از مکتب رمانتیسم است، با نمایش صحنه‌هایی زیبا از وحشت شناخته می‌شود. از مهم‌ترین مؤلفه‌های ژانر گوتیک رمزآمیزی و ابهام، پرداختن به ماوراءالطبیعه، فضاهای کابوس‌وار و تیره‌وتار مثل جنگل‌ها و قلعه‌ها، شخصیت‌های شرور، منفی و ضد قهرمان و... است. ژانری که با اثر والپول شروع شد و رونق زیادی پیدا کرد. حالا در هر کوی و برزن می‌شد اسم آثار رادکلیف، متیو لوئیس و... را شنید. این ژانر همچنین بستری برای خلق شاهکارهای ادبی شد؛ آثاری مثل فرانکنشتاین به‌قلم مری شلی، دراکولا نوشته برام استوکر، دکتر جکیل و آقای هاید اثر رابرت لویی استیونسن، داستان‌های ادگار آلن پو و مارکی دو ساد و... هر کدام از این آثار بعدها دست‌مایه‌هایی برای ساختن بهترین فیلم‌های ترسناک شدند؛ آثاری که به‌رغم باور بسیاری، تنها صحنه‌هایی ترسناک نبودند، بلکه در دل خود نقدهای تند و تیزی به زمانه‌شان داشتند. بطور مثال دراکولای برام استوکر

در دورانی خلق شد که انگلستان از لحاظ سیاسی بسیار ناآرام بود و درگیری‌های نژادی اوج گرفته بود. استوکر در داستانش عناصر اصلی درگیری‌های نژادی و فروپاشی امپراتوری را محور قرار می‌دهد و درواقع، می‌شود گفت پدیدآمدن دراکولا نشانه تباهی کشور بعد از سقوط بعضی از نژادها است. در این بین نباید داستان‌های ترسناک مصور را از قلم انداخت. داستان‌هایی که سعی می‌کردند با کمک گرفتن از تصویر در القای حس وحشت مؤفق‌تر عمل کنند و در دوران خودشان طرفداران بسیاری هم پیدا کردند و بعدها الهام‌بخش بزرگان این ژانر شدند. این داستان‌ها توانستند ژانر وحشت را یک قدم جلو ببرند و علاوه بر کلمات، از تصاویر هم کمک بگیرند و در نتیجه، مخاطبان زیادی جذب کردند.

حالا دیگر سینمای وحشت هویتی مستقل یافته بود و اگرچه تمام المان‌هایش را مدیون ادبیات بود، توانسته بود آن را پشت سر بگذارد. بی‌راه نیست اگر بگوییم آنچه امروز به‌عنوان سینمای وحشت می‌شناسیم، از ادبیات وحشت جان گرفته است. دراکولاها، خون‌آشام‌ها، مومیایی‌ها و سایر شخصیت‌های دنیا وحشت، همگی اول در دل کلمات متولد شدند و بعد با سینما عینیت یافت‌اند و به محبوبیت و شهرت رسیدند. بطور مثال زامبی‌ها که با آثار جرج رومرو و مری شلی مشهور شدند، اولین‌بار در حماسه گیل‌گمش آمدند و بعد در رمان زامبی پروی بزرگ. ارتباط تنگاتنگ سینما و ادبیات وحشت هیچ‌گاه قطع نشده است؛ از اولین اقتباس‌ها بر اساس دراکولا و فرانکنشتاین و دکتر جکیل و آقای هاید تا اقتباس‌های بعدی مثل روانی، شب مردگان زنده، تصویر دوربین گری، جن گریو، مرد حصیری، کریپ شو، درخشش و... همکاری سینما و ادبیات در ژانر وحشت در بیشتر اوقات مؤفق‌آمیز بوده و شاهکارهایی فراموش‌نشده‌ی خلق کرده است. انگار ترکیب توصیفات دقیق و جزئیات آثار ادبی با ابزارهای جذاب و متنوع سینما باعث شد سینما و ادبیات در ژانر وحشت بیشتر از همیشه مکمل هم باشند. اقتباس‌هایی مثل کلیه وحشت یا مرده شیر بر اساس کتاب هوارد فیلیپس لاورکرفت، چراغ بر اساس داستان‌های هزار و یک شب، بازگشت مردگان زنده بر اساس اثر شکسپیر، شیخ اپرا بر اساس رمانی به همین نام و به‌قلم گاستون لورو، پرنده‌ها بر اساس داستانی از دافنه دوموریو، جن‌گیر بر اساس کتاب ویلیام پیتیر بلاتی و ده‌ها فیلم دیگر نشان می‌دهند سینمای وحشت در نقاط اوجش از ادبیات تغذیه‌شده و از طرفی، ادبیات وحشت نیز بخشی از شهرتش را مدیون سینما است. یکی از درخشان‌ترین همکاری‌ها بین این دو حوزه، در کریپ‌شو اتفاق افتاد، بین دو مردی که القاب استاد سینمای



وحشت و سلطان ادبیات وحشت را یکد می‌کنند؛ جرج رومرو و استفن کینگ!

- یک همکاری مؤثر

رومرو کارگردان خوش‌فکر و بزرگی بود که با فیلم شب مردگان زنده سینمای وحشت آمریکا را به دوره‌ای جدید برد؛ دوره‌ای که آثار پرزرق‌وبرق گوتیک به حاشیه رفتند و ژانر ترسناک متحول شد. بسیاری این فیلم را از اولین نمونه‌های فیلم‌وحشت مدرن دانسته‌اند. در مقابل، استفن کینگ که نوشتن را از روزنامه‌های محلی شروع کرده بود، با نوشتن داستان کوتاه «من یک قبربرای نوجوان بودم» در مجله کامیکس رویو به شهرت رسید. این شهرت به جایی رسید که کینگ تبدیل به بهترین و پرفروش‌ترین نویسنده ژانر وحشت شد؛ ژانری که در سینما قدرتمندتر بود و نویسنده‌ها را پشت شهرت فیلم‌های ترسناک پنهان می‌کرد. بااین‌حال، کینگ به چنان شهرتی رسید که نامش در دورترین کوچه و برزن‌های جهان پیچید، آثارش بیشتر از ۳۰۰ میلیون نسخه فروختند و جز بیشترین آثار اقتباس شده قرار گرفتند. بدون شک کنار هم قرارگرفتن این دو چهره، دو دوست، دو همکار، دو نفری که شیفته دنیای وحشت بودند و ایده‌های بی‌نظیری برای آن داشتند، نمی‌توانست یک همکاری ساده باشد و به خلق آثار مهمی انجامید. یکی از این آثار مهم، مجموعه کریپ‌شو است.

بسیاری معتقدند فیلم در ژانر وحشت مدیوم قابل‌تکاتر و مؤثرتری است و به‌سبب ابزارهایی که دارد، ادبیات را پشت سر می‌گذارد. اسکولز هم در عناصر داستان نوشته «فیلم بدلیل این‌که سرآمد تمامی رسانه‌های روایی از نظر نمایش چیزهای مادی و اعمال و کنش‌های موجود است، نزدیک‌ترین رسانه به واقعیت و تجربیات طبقه‌بندی نشده و ناخودآگاه بشمار می‌رود. ادبیات از آنجا با زبان و در زبان آغاز می‌شود، باید متحمل مشقات فراوانی شود به‌حسی از واقعیت دست یابد.» این‌گفته در بسیاری از موارد درست بنظر می‌رسد، ولی نباید قدرت تخیل را دست‌کم گرفت؛ ادبیات برخلاف سینما راه را برای تخیل باز می‌گذارد و این روزنه می‌تواند احساسات مخاطب را بیشتر درگیر کند. درواقع، در ادبیات این مخاطب است که تصویر را در ذهنش می‌سازد و می‌تواند این‌تصویر را بر اساس ناخودآگاه و ترس‌های پنهانش بسازد و در نتیجه، بیشتر تحت تأثیر قرار بگیرد. بهترین رویکرد بجای مقایسه این دو مدیوم، پرداختن به اشتراکات آن‌هاست و این مسئله غیرقابل‌انکار که یک فیلم خوب به غیر از ابزارها و امکانات، نیاز به یک داستان قوی دارد.

صورت مجلس عدم قابلیت افراز پلاک ۴۵۸۶ فرعی از ۱۴۴ اصلی

مورخ ۱۴۰۳/۰۶/۲۱ موضوع افراز، پلاک فوق به اطلاع شهرداری کمالشهر رسانیده شد و به موجب نامه شماره ۲۴۶۵۷ / ۱۴۰۳ مورخه ۱۴۰۳/۰۷/۰۲ شهرداری کمالشهر با افراز پلاک ۴۴/۴۵۸۶ مخالفت نموده و پلاک فوق را غیر قابل افراز اعلام نمود.

خواهان: آقای احمد رضا میرزائی بوکالت از شرکت هواپیار
به آدرس: تهران - خیابان ولیعصر نرسیده به میدان ونک
کوچه چهاردهم پ ۱۲
خواندگان:

آقای احمد رضا احرارنژاد به آدرس: تهران - خیابان ولیعصر - کوچه ۱۴ گاندی - پ ۱۲
 محی خانم معجمی، خانمها ۳- افسر ۴- مریم ۵- اکرم،
 آقایان ۶- پیام ۷- محسن ۸- حسن ۹- عباس ۱۰- قاسم که
 شهرت همگی دستوران فرد می باشد.

به آدرس: کرج - کمالشهر - بلوار پیشاهنگی بلوار شهید
دکتر بهشتی (قزوین) - ۵پ - کارواش
امضاءخواهان: امضاء نماینده: امضاء نقشه بردار:
تصمیم مسوول واحد ثبتی:

با مطالعه پرونده ثبتی و گزارش مامورین افراز و با عنایت به نامه شماره ۱۴۰۳/۳۶۶۸۷ مورخه ۲۱ مهر ۱۴۰۳ مسکن و شهرسازی کرج و نامه شماره ۱۱۰۱۶۲۹۲ مورخ ۲۱ شهریور ۱۴۰۳ شهرداری کمالشهر ششدانگ پلاک فوق الاشعار غیرقابل افراز تشخیص می گردد. مراتب به متقاضی و سایر شرکای مشاعی ابلاغ میگردد تا در صورت اعتراض مطابق ماده دوم قانون افراز و فروش املاک مشاع از تاریخ رویت ظرف مدت ده روز به دادگاه صالح محل وقوع ملک مراجعه و اعتراض نمایند. ۱۹۲۷۸۷

استان البرز، موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی
۹۶۹۳۵۵۵ سری الف سال ۹۶ با شماره دفتر الکترونیکی
۱۳۹۷۲۰۳۳۱۰۱۰۰۲۸۸۷ ثبت گردیده است.

ضمناً برابر گواهی حصر وراثت ارائه شده به شماره مورخ ۹۸۰۹۹۷۲۶۴۵۰۳۲۹/۰۳/۱۳۹۸ صادره از شعبه یک شورای حل اختلاف کرج آقای مرتضی دستوریان فرد فوت نموده و وراثت وی عبارتند از محی خانم معجمی اصل زوجه متوفی و افسر دستوریان فرد و مریم دستوریان فرد و پیام دستوریان فرد و محسن دستوریان فرد و حسن دستوریان فرد و عباس دستوریان فرد و قاسم دستوریان فرد فرزندان متوفی که برابر سوابق نسبت به سهم وراثت تاکنون اسناد مالکیت صادر نشده و منوط به بررسی و گواهی دفتر املاک می باشد.

محدودیت: ندارد

سپس آقای احمدرضا میرزائی بوکالت از شرکت هواپار
احدی از مالکین مشاعی بموجب تقاضای وارده به شماره
۲۰۷۷ مورخه ۱۴۰۳/۱/۲۵ به استناد قانون افراز و فروش
املاک مشاع درخواست افراز سهمی خود را به طرفیت
دیگر مالک مشاعی از این اداره نموده است که انجام آن
برابر مقررات به نمایندگی ثبت محول گردید که مطابق ماده
دو آئین نامه قانون افراز و فروش املاک مشاع نماینده
ثبت گواهی نموده است که جریان ثبتی ملک خاتمه
یافته و ثبت دفتر املاک شده و سند مالکیت معارض
ثبت و صادر نگردیده لذا با عنایت به نامه شماره ۱۱۰۱۶۲۸۹
مورخ ۱۴۰۳/۰۶/۲۱ موضوع افراز پلاک فوق به اطلاع اداره
مسکن و شهرسازی کرج رسانیده شد و به موجب نامه
شماره ۱۴۰۳/۳۶۷/۲۱ مورخه ۱۴۰۳/۳/۲۶
مذکور را بلامانع اعلام نموده و طی نامه شماره ۱۱۰۱۶۲۹۲

۶ بعنوان مالک دو دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۱۹۳۹۲ تاریخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۸ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۹۰۸ شهر تهران

استان تهران، موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۷۵۹۱۲۷ سری ب سال ۹۸ با شماره دفترالکترونیکی ۱۳۹۸۲۰۳۳۱۰۱۱۰۳۹۷۳۰ ثبت گردیده است.

مالکیت هوا یار شماره ثبت ۱۴۳۳۵۱ تاریخ ثبت ۱۳۷۷/۰۶/۱۰ دارای شماره ملی ۱۰۱۰۸۶۳۳۳۰ بعنوان مالک یک دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۱۳۹۳۲ تاریخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۸ بدفترخانه اسناد رسمی شماره ۹۰۸ شهر تهران استان تهران، موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۷۵۹۱۲۸۳ سری ب سال ۹۸ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۸۲۰۳۳۱۰۱۰۳۹۷۳۳۱ ثبت گردیده است.

مالکیت شرکت هواپار شماره ثبت ۱۴۳۳۵۱ تاریخ ثبت
دارای شماره ملی ۱۰۱۸۶۳۳۳۰ با عنوان مالک یک دانگ
مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند
مالکیت ۱۹۸۰۶ تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۰۳ دفترخانه اسناد
رسمی شماره ۹۰۸ شهر تهران استان تهران موضوع سند
مالکیت اصلی بشماره چاپی ۷۶۲۱۷ سری ب سال ۹۸
با شماره دفتر الکترونیکی ۱۰۱۱۰۱۷۲۲/۱۳۹۹۲ ثبت
گردیده است.

مالکیت مرتضی دستوریان فرد فرزند حسن شماره شناسنامه ۵۲۷ تاریخ تولد ۰۶/۰۹/۱۳۱۰ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۳۸۱۱۸۲۷ با جز سهم ۲ از کل سهم ۶ بعنوان مالک دو دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۱۲۰۵۱۹ تاریخ ۱۳۶۴/۰۱/۱۱ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۳۷ شهر کرج

تاریخ رسیدگی: ۱۴۰۳/۱۰/۹ مرجع رسیدگی اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه ۳ کرج
گزارش پرونده ثبتی:

سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی
نوع ملک طلق به پلاک ثبتی ۴۵۸۶ فرعی از ۱۴۴
اصلی، مفروز و مجزا شده از فرعی از اصلی مذکور، و واقع
حوزه ثبت ملک کرج ناحیه سه استان البرز به مساحت
۱۶۷/۰۳ مترمربع

متن ملک شماره چهار هزار و پانصد و هشتاد و شش
فرعی از یکصد و چهل و چهار اصلی واقع در ناحیه سری
دفتار ۲ بخش حوزه ثبتی ناحیه سه کرج استان البرز به
مساحت (۱۶۶۴۰ / ۰۳) شانزده هزار و هفتصد و شصت
متر و سه دسیمتر مربع، توضیحات ملک

به حدود: شمالاً: دیواربست بطول (۵۷/۰۰) پنجاه و هفت متر به پلاک ۳۸۹ و ۳۸۸ شرقاً: دیواربست بطول (۳۹۹/۶۵) دویست و نود و نه متر و شصت و پنج سانتیمتر به شماره چهارصد و بیست فرع، جنوباً: درب و دیوار، بطول (۴۷/۰۰)

چهل و هفت متر به خیابان قزوین غربا؛ در سه قسمت که قسمت دوم آن جنوبی است. اول به دیوار بطول (۳۰/۱۵) سی متر و پانزده سانتیمتر به شماره یک هزار و نهصد و چهارده فرعی دوم دیوار است بطول (۱۰/۰۰) ده متر به

و چهارده فرعی دوم دیوارپست بطول (۲۸/۳۰) متر به
شماره یک هزار و نهصد و چهارده فرعی سوم دیوارپست
بطول (۲۸/۳۰) دوپست و شصت و هشت متر و سی
سانتیمتر به شماره چهارصد و هجده فرعی.

مشخصات مالکیت:
مالکیت احمد رضا احرارنژاد فرزند محمد باقر شماره
شناسنامه ۹۷۱۴ تاریخ تولد ۱۳۵۰/۰۱/۱۳ صادره از تهران
دارای شماره ملی ۵۶۹۱۳۴۲۷ به جا سهم ۲ از کل سهم

آگهی دعوت به مناقصه یک مرحله ای عمومی

اداره کل ورزش وجوانان استان البرز در نظر دارد تا نسبت به مناقصه پروژه تکمیل سالن ورزشی روستای نوکند شهرستان نظرآباد و واگذاری به پیمانکار واجد شرایط مطابق قانون برگزاری مناقصات و عقد قرارداد بومبای فهارس بها سال ۱۴۰۵ اقدام نماید. لذا از کلیه شرکتهایی که دارای حداقل رتبه همزمان ۵ در زمینه ابنیه و ساختمان و ۵ در زمینه تاسیسات و تجهیزات درسامانه ساجات و ظرفیت آزاد کاری دعوت میشود از تاریخ ۱۴۰۵/۲/۲۲ تا تاریخ ۱۴۰۵/۲/۲۷ نسبت به دریافت اسناد مناقصه از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir اقدام نمایند.

۱- موضوع مناقصه: پروژه تکمیل سالن ورزشی روستای نوکند شهرستان نظرآباد
۲- نشانی کارفرما: گروه نظارت فنی برامکان ورزشی اداره کل ورزش وجوانان استان البرز واقع در کرج ، عظیمیه ، میدان طالقانی ، بلوار تعاون ، خیابان فرهنگ شماره تماس: (داخلی ۲۱۸ و ۲۲۰) ۳۲۵۵۰۶۰۶ و ۳۲۵۵۷۸۷۸ - ۰۲۶

۳- مشاور پروژه: شرکت ایمن تردد زاگرس به نشانی: فردیس، سه راه حافظیه، خیابان داورى، ساختمان جوان، طبقه ۳، واحد ۸ - شماره تماس: ۳۶۶۱۳۸۱۵ - ۰۲۶

۴- محل اجرای پروژه: روستای نوکند شهرستان نظرآباد

0- مبلغ و نوع تضمین: ده میلیارد و هشتصد میلیون هزار ریال و فقط ضمانت نامه بانکی معتبر (صادر به توسط بانکها و موسسات مالی دارای مجوز بانک مرکزی) مورد قبول می باشد.

۶- محل و آخرین زمان جهت اخذ اسناد مناقصه: سایت ستاد ایران و تا ساعت ۱۴:۳۰ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۲/۲۷

۷- زمان ارایه پیشنهادات (پاکات الف، ب و ج) در سایت ستاد ایران: تا ساعت ۱۳:۳۰ روز پنجشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۳/۸

شرکت کنندگان مکلفند ضمانت نامه بانکی را به صورت فیزیکی تا ساعت ۱۳ روز پنج شنبه مورخ ۱۴۰۴/۳/۸ به امور مالی اداره کل ورزش و جوانان استان البرز تحویل نمایند. در صورت عدم تحویل ضمانت نامه بانکی در مهلت مقرر، پاکت های دیگر باطل و عیناً عودت می گردد.

۸- زمان و مکان بازگشایی پاکات پیشنهادات: ساعت ۹ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۳/۱۰ دفتر مدیریت اداره کل

۹- مدت زمان اجرای پروژه: ۱۵ ماه شمسی

۱۰- برآورد ریالی پروژه: براساس فهارس بها سال ۱۴۰۴ (نحوه عقد قرارداد به صورت پیمان سرجمع می باشد). ۲۱۵/۹۸۹/۱۳۰/۸۹۶ ریال

۱۱- مدت اعتبار پیشنهادات ۳ ماه بوده و این اداره کل در قبول یا رد پیشنهادات مختار می باشد.

۱۲- هزینه درج آگهی روزنامه ها در هر مرحله به عهده برنده مناقصه می باشد. ۱۹۲۷۳۰۴

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم ها فاطمه، فربیا و فهیمه همگی رحیمی ضمن تسلیم برگ استشهادهی تصدیق شده اعلام نموده اند به علت سهل انگاری اصل اسناد مالکیت مفقود شده است و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی از این واحد ثبتی نموده که برابر محتویات پرونده ثبتی اسناد مالکیت یک باب مغازه به مساحت ۴۴.۲۷ مترمربع قطعه تفکیکی به شماره ۷۸۶۷ فرعی از ۱۵۱ از اصلی مفروض از پلاک ۲۲۴۳۱ فرعی از اصلی مذکور واقع در اراضی حوزه ثبتی شهرستان کرج برابر حصر وراثت شماره ۱۲۲۷ مورخ ۱۸ اسفند ۱۳۸۹ و حصر وراثت شماره ۱۹۷۳۶، ۱۲۹۰۰، ۱۴۰۰۰ مورخه بیست و سوم بهمن ۱۴۰۰ شورای حل اختلاف کرج یک سهم از ۲۸ سهم به نام فربیا رحیمی ثبت و سند مالکیت به شماره چاپی ۴۵۲۳۵۰ صادر و ۵ سهم از ۱۵۶ سهم به نام فربیا رحیمی ثبت و سند به شماره چاپی ۴۵۲۳۵۸ صادر شد و یک سهم از ۲۸ سهم به نام فهیمه رحیمی ثبت و سند ۴۵۲۳۵۱ صادر شد و ۵ سهم از ۱۵۶ سهم به نام فهیمه رحیمی ثبت و سند به شماره چاپی ۴۵۲۳۵۷ صادر شد و یک سهم از ۲۸ سهم به نام فاطمه رحیمی ثبت و سند به شماره چاپی ۴۵۲۳۴۹ صادر شد و سند به میزان ۵ سهم از ۱۵۶ سهم به نام فاطمه رحیمی ثبت و سند به شماره چاپی ۴۵۲۳۹۳ صادر شد لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی به ماده ۱۲ آیین نامه ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وفق مقررات عمل گردد بدیهی است چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی اصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی طبق مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد. ۱۳۹۸/۱۰/۱۹

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک کرج

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم سارا حتمی برابر وکالتنامه شماره SKU۵ITDRUOIF مورخه ۱۴۰۰/۰۵/۰۱ سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران-حامبورگ از طرف خانم پریسا اردوخانی ضمن تسلیم در برگ استشهادهی تصدیق شده اعلام نموده است به علت سهل انگاری اصل سند مالکیت مفقود شده است و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی از این واحد ثبتی نموده که برابر محتویات پرونده ثبتی سند مالکیت شش‌دانگیک دستگاه آپارتمان مسکونی به مساحت ۱۲۲.۷۷ مترمربع متر مربع قطعه ۱ تفکیکی به شماره ۱۶۸۸۵ فرعی از ۱۵۵ از اصلی مفروز از پلاک ۲۲۳۸ فرعی از اصلی مذکور واقع در اراضی حوزه ثبتی شهرستان کرج برابر سند قطعی شماره ۱۰۰۷۵ مورخ ۱۳۹۲/۰۶/۰۲ دفترخانه ۱۰۸ کرج شش‌دانگ پلاک مذکور به پریسا اردوخانی منتقل و منجر به صدور سند مالکیت به شماره چاپی ۵۸۶۰۹۹۹ گردید سپس برابر سند رهنی شماره ۱۰۰۷۶ مورخه ۱۳۹۲/۰۶/۰۲ دفتر ۱۰۸ کرج در رهن بانک قرار گرفت لذا مراتب به استناد تبصره یک اصلاحی به ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میشود تا چنانچه کسی مدعی وجود سند مالکیت نزد خود و یا انجام معامله نسبت به ملک مذکور باشد از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت به این اداره تسلیم تا وفق مقررات عمل گردد بدیهی است چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراضی واصل نشود و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نگردد سند مالکیت المثنی طبق مقررات به متقاضی تسلیم خواهد شد. ۱۳۹۷۰۸

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیہ یک کرج



ورزش

دنیای سوادار

دوشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۱۱

فضای هواداری استقلال و پرسپولیس زیر ذره بین «دنیای هوادار»

ماجرای امروز

حسن صانعی پور

در این خصوص وجود نداشت، حالا یک تقابل پنهان با درون مایه های غیرورزشی و «غیرفوتبالی» افق رشد آنان را تاریک کرده است.

التهابات فضای مجازی

کری های که قبلا به نشان دادن عدد و تعداد پیروزی ها و احتمالا چند شوخی بعد از دربی ختم می شد، حالا در فضای مجازی به جریان وسیع تخریب با انتشار تصاویری از آنچه نباید منتشر شود و یا به زندگی خصوصی بازیکنان و مربیان مربوط است، تبدیل شده! در این شرایط نباید بدنبال قاعده و قانون بود. التهابات فضای مجازی که دامنه آن به مربیان و بازیکنان نیز کشانده شده است، در فوتبال جهان به طور اعم و در فوتبال ایران به طور اخص خرده فرهنگ های جدیدی را رقم زده و این موضوع در فوتبال ایران که فاصله معناداری با فوتبال حرفه ای و همچنین صنعت مربوط به این رشته دارد، از کنترل خارج گردیده و تبدیل به معضلی لاینحل شده است.

ادبیات هواداری مسئولان

در همین سال های دهه نود و سه سال اخیر دهه جدید، شاهد ادبیات هواداری مسئولان و به طور ویژه مجریان و خبرنگاران بودیم. ادبیاتی که شخص را از جامه حقوقی خود بیرون آورده و در قامت یک مسئول، وی را تبدیل به یک هوادار صرف کرده است. آنگاه است که هواداران دو تیم هر موفقیت رقیب را به حمایت ویژه منتسب کرده و اتفاقات خرد و کلان را توطئه تلقی می کنند. در این سال ها حتی اظهار نظر و حضور برخی مسئولان نیز شائبه انگیز بوده است. تا جایی که این اشتباه با عکس العمل های هوادارانی روبه رو بوده که صرفا ظاهر قضایا را دیده و قضاوت می کنند. در همین سال ها و در قضایا شکایت النصر از پرسپولیس چندین ایمیل از داخل ایران در جهت تخریب نماینده ایران به نهادهای ذی ربط ارسال شده است. در همین سال ها مشکلات داخلی استقلال به ای اف سی و فیفا از داخل کشور مخابره شده است. انگیزه تمام این وقایع نیز ضربه زدن به حریف و ایجاد فضای کری خوانی بوده است.

کری های خارج از قاعده

کری خوانی لازمه فوتبال است. این موضوع در فوتبال حرفه ای دنیا نیز وجود دارد. حتی آروزی عدم موفقیت باشگاه رقیب نیز در فوتبال جهان مرسوم است. اما کری های خارج از قاعده که در انتها به جنجال و درگیری منجر می شود، از قوانین نانوشته فوتبال خارج است. موضوعی که سال ها قبل در فوتبال باشگاهی اروپا نیز وجود داشته اما کنترل گردیده و در نهایت منجر به ایجاد فضای امن در ورزشگاه ها شده است. کافی است صفحات هواداری و حتی خبری، تحلیلی فضای مجازی را نگاهی ببیند. صفحاتی که در شمایل هواداری مدام بازیکنان و مربیان خود و رقیب را مورد هجوم قرار داده و گاهی به دنبال باج خواهی هستند. این وضعیت در مواجهه با هواداران نیز القانات منفی داشته و دامنه آن به ورزشگاه ها کشانده شده و در نهایت لذت فوتبال را از بین برده است. آروزی های پنهان باخت

کاپیتان استقلال به بازی با سپاهان هم نمی رسد؟

کاپیتان استقلال دیدار آبی پوشان برابر سپاهان اصفهان را نیز از دست داد. سیدحسین حسینی، به دلیل ابتلا به سرماخوردگی همچنان نمی تواند در تمرین ها و بازی های استقلال تهران حضور پیدا کند. او که در دیدار مقابل چادرملوی اردکان هم غایب بود هنوز به شرایط ایده آل نرسیده است و به احتمال فراوان در دیدار برابر سپاهان اصفهان در هفته سی ام و پایانی لیگ برتر بیست و چهارم نیز حضور نخواهد داشت. دروازه بان استقلال یک هفته است که در تمرین ها شرکت نمی کند و در تلاش است تا به دیدار نیمه نهایی جام حذفی مقابل نفت آبادان برسد.

خارج از گود



چندین فصل پیش هواداران پرسپولیس در ورزشگاه از بازیکنان خود خواستند بازی را مقابل حریف واگذار کنند تا تیمی خاص به دسته پایین تر سقوط کند. در همین فصل جاری هواداران استقلال دوست ندارند تیمشان در مقابل سپاهان امتیاز بگیرد تا شاید قرمزپوشان آسیایی نشوند. آرزوهای پنهان و البته آشکاری که باخت و یا به تعبیر قمارت دیگری را آرزو کرده و می کنند. ریشه یابی این موضوع نیز باید در عملکرد متولیان ورزش و در رأس آنان مدیران دو باشگاه جستجو کنیم. فوتبال ایران به خوبی به یاد دارد که در جریان شایعه انتقال مجتبی جباری به پرسپولیس، مدیران وقت دو باشگاه در تعاملی بی نظیر مانع از جنجالی بزرگ شدند.

سنگ اندازی های ناخودانمردانه

گاهی نیز سنگ اندازی هایی از طرف دو باشگاه دیده شده است. مصداق های آن نیز وجود دارد. گویا رسم شده است که موفقیت یک باشگاه در گروی ناکامی دیگری باشد. گویا مسیر پیشرفت هریک از جاده تخریب یکدیگر می گذرد. این در حالی است که دو سرمایه ویژه فوتبال ایران، فرصت طلایی ورزش ایران برای پرداختن به اقتصاد و فرهنگ است. برای اثبات این ادعا کافی است مصاحبه ها، اظهار نظر ها و گفت و گوهای منتسبان به این دو باشگاه را از آرشivio درآورده و مرور نمود. «همان نمی خواهند قهرمان شمیم هایی که سرخابی ها در انتهای هر ناکامی فریاد زنند. همان بیانیه های بلند بالایی که بر علیه یکدیگر و گاهی دیگر باشگاه ها منتشر کردند را می توان نمونه ای از همین سنگ اندازی های ملیح و مویرگی دو باشگاه علیه یکدیگر تلقی کنیم».

سرخابی های رها شده

در حقیقت سرخابی های فوتبال ایران به حال خود رها شده و هر از گاهی با تغییرات مدیریتی و کادرفنی، التهاب وضعیت نابسامان آنان فروکش می کند. در این بین هواداران پرسپولیس به علت قهرمانی های داخلی کمی از وضعیت موجود رضایت دارند. اما آنان منتظرند این موفقیت های پی در پی به قهرمانی آسیا منتهی شود. در اردوگاه مقابل، وضعیت نه در داخل ایران و نه در خارج مساعد نیست. آبی پوشان که دلخوش به دو ستاره آسیایی هستند در فصل جاری تا استانه سقوط به دسته پایین تر نیز پیش رفتند. حالا قرار است در انتهای فصل بیست و چهارم جنگ دوستانان دو تیم در هفته آخر لیگ با اهدافی دیگر ادامه یافته و احتمالا تبعات آن تا پایان تابستان نیز سرنوشت آنان را تحت الشعاع قرار داده و در فصل آینده هر دو باشگاه را با چالش جدیدی روبه رو کند.

زنان

«سپهرزاد»

وضعیت اعزام فسیحی به آسیا هنوز مشخص نیست

سخنگوی فدراسیون دوومیدانی با اشاره به آسیب دیدگی فرزانه فسیحی گفت: او به آن سطح از آمادگی نرسیده بود تا در مسابقات قهرمانی کشور شرکت کند و در کمیته اجرایی مشخص می کنیم که آیا به قهرمانی آسیا اعزام خواهد شد یا خیر.

هادی سپهرزاد روز گذشته درباره مسابقات دوومیدانی قهرمانی کشور، اظهار داشت: بعد از سال ها که از عمر دوومیدانی در ایران می گذرد، اولین مسابقه در هوای آزاد گیلان برگزار شد. هدف اصلی کمیته اجرایی این بود تا با توجه به سطح ارتفاع شهر رشت از دریا برای ورزشکاران استقامت و نیمه استقامت شرایطی ایجاد شود تا نتایج خوبی کسب کنند.

وی افزود: خدارا شکر در ۲ بخش بانوان و مردان نتایج خوبی به دست آمد و رکورد شکنی ها خود گواه این اتفاق خوب بود. با برگزاری مسابقات در کرج و مشهد این امکان را برای ورزشکاران به وجود آوردیم تا در شرایط آب و هوایی متفاوت رقابت کنند و ورودی مسابقات آسیایی را به دست بیاورند.

سخنگوی فدراسیون دوومیدانی در پاسخ به این پرسش که چرا فرزانه فسیحی در مسابقات قهرمانی کشور حضور نداشت، خاطرنشان کرد: وی در آخرین مسابقه آسیب دید و بعد از آن هم به سطح آمادگی لازم نرسیده بود تا در این مسابقات شرکت کند و در کمیته اجرایی مشخص می کنیم که آیا او به مسابقات قهرمانی آسیا که خرداد ماه امسال در کره جنوبی برگزار می شود، اعزام خواهد شد یا خیر.

وی درباره رکورد پیرجهان در مسابقات امارات گفت: پیرجهان در دوی ۴۰۰ متر با مانع ایران در تور امارات با کورد ۵۰.۲۹ ثانیه به مدال برنز رسید. رکورد او را بررسی و در خصوص اعزامش به پیکارهای قهرمانی آسیا تصمیم گیری می کنیم. تنها ورودی ملاک ما برای اعزام ورزشکاران به کره جنوبی نیست و عملکرد ورزشکاران هم ملاک است. امروز تصمیم گیری درباره دوومیدانی کارانی که ورودی را نیابوده اند اما تلاش خود را کرده اند، گرفته خواهد شد.

سپهرزاد خاطرنشان کرد: با توجه به نتایجی که از اول سال بچه ها در مسابقات داخلی کسب کردند، ما در پرتاب ها، پرش ها، دوهای استقامت و نیمه استقامت و حتی در سرعت و موانع در مسابقات قهرمانی آسیا کره جنوبی شانس مدال داریم.

وی گفت: باید از هیات دوومیدانی استان گیلان تشکر کنم زیرا با تمام توان مسابقات را به بهترین شکل برگزار کردند. دوومیدانی کاران ما توانستند در فضای جدیدی به رقابت بپردازند و تصمیمی که هیات اجرایی در دوومیدانی گرفت باعث شد تا شهر رشت قابلیت خود را برای برگزاری مسابقات دوومیدانی نشان دهد و امیدوارم همه ساله شاهد یک رقابت خوب در این شهر باشیم.

مسابقات دوومیدانی قهرمانی بانوان کشور با شرکت ۲۰۳ ورزشکار از استان های کشور به میزبانی استان گیلان طی ۱۸ و ۱۹ اردیبهشت در ورزشگاه سردار جنگل شهرستان رشت برگزار شد و تیم استان تهران با کسب ۹ مدال طلا، ۷ نقره و ۳ برنز به عنوان قهرمانی رسید. تیم استان خراسان رضوی با کسب ۳ مدال طلا، ۳ نقره و یک برنز نایب قهرمان شد و تیم استان البرز نیز با کسب ۲ مدال طلا، ۲ نقره و ۲ برنز بر سکوی سوم ایستاد.

در جریان این رقابت ها و در ماده ۳۰۰۰ متر بامانع، سمیرا خداترس از استان خراسان رضوی با ثبت زمان ۳:۳۴.۲۴ دقیقه رکورد ملی بزرگسالان این ماده را شکست. در همین ماده، هانیه شهری از استان خوزستان با ثبت زمان ۱۰:۳۴.۶۱ دقیقه رکورد ملی جوانان این ماده را بهبود بخشید. پریسا عرب نیز در ماده ۱۰ هزار متر با ثبت زمان ۳۴:۱۰.۶۱ دقیقه رکورد ملی این ماده را شکست. روز گذشته نیز در ماده ۵۰۰۰ متر، هانیه شهری از استان خوزستان با ثبت زمان ۱۷:۲۴.۴۲ دقیقه رکورد ملی جوانان این ماده را شکست.



■ سردبیر: مهدی تیموری

■ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهرداد تیموری

■ صفحه آرا: امیر بیات

■ مدیر روابط عمومی: مهسا تیموری

■ تحریریه: دکتر مهرداد فرشیدی، مجید سعیدی، اصغر قلندری، محمدرضا کاظمی، سیدرضا فیض آبادی، حسن صانعی پور و سارا نصرتی

■ نشانی: کرج - بلوار جمهوری شمالی - کوچه میثم - پلاک ۱ - طبقه ۲ - واحد ۶ - تلفن - نمابر: ۳۴۴۹۹۲۵۵ ■ چاپ: کهن



www.donyayehavadar.ir

دنیای هوادار

دوشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۴
شمارگان ۱۸۱۱

«دنیای هوادار» یاد روح قلم و مرام زنده یادان ناصر احمدپور و عباس عبدالملکی، بزرگان عرصه مطبوعات ورزشی کشور را پاس می دارد

اهم اقدامات سازمان بنادر و دریانوردی

در حوزه همکاری های بین المللی سازمان بنادر و دریانوردی از ابتدای دولت چهاردهم



مذاکره و تفاهم با شرکت الموانی
قطر برای سرمایه گذاری و مطالعه
توسعه بندر دیر در بوشهر

مرداد ۱۴۰۳



آبان ۱۴۰۳

مذاکره و تفاهم با طرف چینی
برای سرمایه گذاری مشترک در
توسعه بنادر راهبردی دو کشور



مذاکره و تفاهم با طرف عمانی
برای سرمایه گذاری مشترک در
توسعه بنادر راهبردی دو کشور



امضاء یادداشت تفاهم همکاری های
ترانزیتی و تخصیص زمین در
پسکرانه های بندری در شمال و جنوب
کشور با قرقیزستان



آبان ۱۴۰۳

امضاء یادداشت تفاهم همکاری های
ترانزیتی و تخصیص زمین در
پسکرانه های بندری در شمال و جنوب
کشور با کشور ارمنستان



دی ۱۴۰۳

امضاء یادداشت تفاهم
همکاری های ترانزیتی و تخصیص
زمین در پسکرانه های بندری در
شمال و جنوب کشور با تاجیکستان



برگزاری کمیته حمل و نقل
کشورهای حاشیه دریای خزر در
حاشیه اجلاس سران دریای خزر



انعقاد تفاهم نامه سرمایه گذاری سازمان
بنادر و دریانوردی با جمهوری قزاقستان
برای احداث ترمینال اختصاصی و مرکز
لجستیک در بندر شهید رجایی

۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۴



۵ اردیبهشت ۱۴۰۴

مشارکت در اجلاس کمیسیون
مشترک همکاری های اقتصادی
ایران و روسیه در مسکو

۳۰ بهمن ۱۴۰۳



۱۴۰۳ بهمن

مذاکره امضای صورت جلسات
و نهایی کردن قرارداد مشارکت
با یک شرکت چینی برای سرمایه
گذاری در ساخت انبار در بندر
شهید رجایی

